

بررسی ارتباط بین گرایش به هویت ملی با احساس عدالت اجتماعی در بین شهروندان شهر بندرعباس

عبدالعلی زائری تمبکی^۱ دریافت: ۹۸/۸/۱
 غلامرضا جعفر نیا^۲ پذیرش: ۹۸/۹/۲۵
 حبیب پاسلار زاده^۳

چکیده

عدالت اجتماعی از مسائل اساسی در زندگی بشر است. با توجه به اهمیت بحث از احساس عدالت اجتماعی، پژوهش حاضر با استفاده از روش میدانی، تکنیک پیمایش و ابزار تحقیق پرسشنامه به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی است که بین گرایش به هویت ملی و احساس عدالت اجتماعی در شهر بندرعباس چه ارتباطی وجود دارد؟ جامعه آماری پژوهش حاضر تمامی شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر بندرعباس است که تعداد ۳۸۴ نفر از آنها به‌عنوان حجم نمونه مورد بررسی قرار گرفته و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای SPSS و معادلات ساختاری Smart PLS استفاده شده است.

نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین گرایش به هویت ملی ($P=0/34$) و شاخص‌های آن یعنی هویت سیاسی ($P=0/38$)، هویت سرزمینی ($P=0/32$)، هویت فرهنگی ($P=0/28$)، هویت تاریخی ($P=0/23$) و هویت دینی ($P=0/43$)، با احساس عدالت اجتماعی در بین شهروندان ارتباط مثبت و مستقیم و معنادار وجود دارد؛ بنابراین تمامی فرضیه‌های پژوهش تأیید می‌شوند. همچنین نتایج حاصل از مدل معادله ساختاری (Smart PLS) نیز نشان می‌دهد

^۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد بوشهر دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر. zaeri_111@yahoo.com

^۲. استاد یار گروه جامعه‌شناسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر. (نویسنده مسئول). jafarinia_reza@yahoo.com

^۳. استاد یار گروه جامعه‌شناسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر. s_ar87@yahoo.com

که گرایش به هویت ملی بر احساس عدالت اجتماعی تأثیر متوسط داشته (۰/۴۵) و متغیر هویت ملی در مجموع (۰/۲۱) از واریانس متغیر احساس عدالت اجتماعی را تبیین می‌کند.

کلیدواژگان: هویت، هویت ملی، احساس عدالت اجتماعی، شهر بندرعباس.



عدالت فضیلتی است که تحوّل جوامع بشری منوط به آن بوده است و این فضیلت در وجود انسان به‌عنوان فرد، استقامت و اعتدال را می‌آفریند و در جوامع بشری نیز مولد استقامت، برابری، اعتدال و آزادی است. فقدان این عدالت در اجتماع باعث پیدایش تبعیض، ستم، فساد و عدم وفاق عمومی می‌شود و چنین جامعه‌ای از فضیلت، وفاق و همبستگی فاصله می‌گیرد و به‌سوی گسست و اضمحلال پیش می‌رود (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۵۸۱).

عدالت را می‌توان به‌عنوان بزرگ‌ترین هدف از تشکیل حکومت تلقی کرد و به‌قدری بااهمیت بوده و به سرنوشت ملت‌ها و دولت‌ها پیوند خورده که هیچ ملت و مکتب و اندیشمند سیاسی و اجتماعی آن را نادیده نگرفته و حتی حکومت‌ها و حکام سلطه‌جو نیز سعی بر آن داشته‌اند که ریاکارانه خود و نظامشان را متصف به آن دانسته و هدف خود را عدالت نمایند.

عوامل گوناگونی با احساس عدالت اجتماعی افراد در ارتباط هستند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها گرایش‌های هویتی افراد است. در چند دهه گذشته موضوع هویت در ابعاد فردی و جمعی آن به‌شدت مورد توجه صاحب‌نظران حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی قرار گرفته‌شده است (داوید و بارتال،^۱ ۲۰۰۹: ۳۵۴). ایجاد هویتی عام در میان گروه‌ها و قشرهای گوناگون از موضوعات مهمی است که نظام‌های سیاسی در جوامع گوناگون با آن مواجه هستند. نبود چنین حس هویتی تبعات فراوانی به همراه دارد (آلموند^۲ و دیگران، ۲۰۰۰: ۱۹). چراکه هویت جمعی عام به‌ویژه در سطح ملی مهم‌ترین بعد هویت اجتماعی و فراگیرترین و مشروع‌ترین سطح هویت در تمام نظام‌های اجتماعی است؛ زیرا هویت ملی در حوزه فرهنگ، سیاست و حتی اقتصاد، نقشی تعیین‌کننده دارد (قادرزاده و قادرزاده، ۱۳۹۳: ۱۷۱). هویت ملی بالاترین و فراگیرترین و در حین حال مشروع‌ترین سطح هویت در تمامی نظام‌های اجتماعی جدا از گرایش‌های ایدئولوژیکی است (حاجیان، ۱۳۷۹: ۱۹۷).

هویت ملی یکی از مؤلفه‌های بنیادی شکل‌گیری و بقاء جامعه ملی و اصلی‌ترین حلقه ارتباطی با هویت عام قومی است که می‌تواند مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های مثبت را نسبت به عوامل و عناصر و الگوهای هویت‌بخش و یکپارچه ساز در سطح یک کشور، به‌عنوان یک واحد سیاسی به وجود آورد (شیخاوندی، ۱۳۸۰: ۱۹۷).

۱- بیان مسئله

احساس عدالت یکی از شاخص‌های اصلی رفاه اجتماعی در دنیای امروز است. احساس عدالت را در قالب رفاه از دو بُعد در نظر می‌گیرند از یک زاویه آن را در قالب فردی، اجتماعی و سیاسی (عملکرد مسئولان و سازمان‌ها) تقسیم‌بندی می‌کنند و از بُعد دیگر آن را به عدالت توزیعی و رویه‌ای تقسیم می‌کنند. در حقیقت، عدالت از مفاهیمی است که عقل جمعی همه افراد بشر، آن را مستحسن و نیکو می‌شمرد. عدالت به مثابه مفهومی، با سطح انتزاع بسیار بالا، از دیرباز ذهن بشر را به خود مشغول داشته است تا جایی که مباحثه درباره چستی عدالت، به مثابه یکی از محوری‌ترین سؤالات فلسفه سیاسی، همچنان استمرار دارد (پورعزت، ۱۳۸۰: ۸۵).

این باور همگانی وجود دارد که روابط و مناسبات افراد و گروه‌ها، قوانین و مقررات جامعه و همچنین نهادهای اجتماعی باید عادلانه باشند. مقررات و الزامات اجتماعی آنگاه از مشروعیت برخوردارند که یا با عدالت انطباق داشته باشند و یا بر اساس آن به وجود آمده باشند و بر مبنای آن نیز اجرا شوند. عدالت نه تنها در مورد فرد و کنش فردی؛ بلکه در مورد جمع و رفتار جمعی نیز معیار و ملاک است.

هویت ملی در حکم نرم‌افزاری است که برای رسیدن به وفاق اجتماعی و انسجام عام از میان تمایز یافتگی‌های درون جامعه، ساخته و پرداخته شده است. هویت ملی در همه حوزه‌های فرهنگ، سیاست، اجتماع و حتی اقتصاد نقش تعیین‌کننده دارد و بنابراین بر بسیاری از مؤلفه‌های زندگی اجتماعی افراد تأثیرگذار است. مهم‌ترین کارکرد هویت، ایجاد همبستگی و همانندی است (احمدلو و افروغ، ۱۳۸۱: ۱۳) و هرچه همبستگی در میان ملتی بیشتر باشد، قدرت سیاسی و چانه‌زنی آن کشور در سطح ملی و فراملی بیشتر می‌شود. هویت ملی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های نمادین زبان، دین، تاریخ و منافع مشترک، وفاق اجتماعی و همبستگی ملی را تقویت می‌کند و موجب آگاهی ملی و جهت‌دهی به زندگی اجتماعی می‌شود (زهیری، ۱۳۸۴: ۷۲)، همچنین زمینه‌ساز احساس عدالت اجتماعی در میان مردم است (حیدری، ۱۳۸۳؛ به نقل از قادرزاده و قادرزاده،

۱۳۹۳: ۱۷۲) و تمامیت ارضی کشور را حفظ می‌کند و زمینه توسعه ملی می‌گردد (احمدی، ۱۳۸۶: ۹۰)؛ بنابراین با توجه به توضیحات داده شده بررسی عوامل مرتبط با احساس عدالت اجتماعی مسئله‌ای اساسی است و در این راستا پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی است که بین گرایش به هویت ملی با احساس عدالت اجتماعی در بین شهروندان شهر بندرعباس چه ارتباطی وجود دارد؟

انجام پژوهش حاضر در شهر بندرعباس مسئله‌ای اساسی و مهم است. شهر تاریخی و با قدمت بندرعباس به عنوان یکی از استراتژیک و مهم‌ترین مناطق کشور محل سکونت اقوام، طوایف و مذاهب مختلفی است و علاوه بر افراد بومی تعداد زیادی مهاجر نیز در این شهر زندگی می‌کنند. به نظر می‌رسد شهر بندرعباس شهری متنوع از نظر قومی است. ویژگی‌های متمایزکننده اقوام از یکدیگر در این شهر بیشتر بر مؤلفه‌های زبانی، طایفه‌ای و مذهبی متمرکز می‌شود. سکونت قومیت‌های مختلف در این شهر زمینه مناسبی را برای وقوع بحران‌های قومی - مذهبی و متأثر ساختن احساس عدالت اجتماعی فراهم آورده است. هرچند آمار دقیقی از احساس عدالت در شهر بندرعباس وجود ندارد و تاکنون پژوهش دقیقی در این مورد انجام نشده است که بتواند آمار دقیق را نشان دهد؛ اما موضوع تنوع قومی و مذهبی باعث شده است که در این شهر به نوعی هویت‌های مختلف قومی و دینی شکل گیرد و علاوه بر این با توجه بر نحوه توزیع امکانات نوعی احساس محرومیت و در نتیجه بی‌عدالتی در بین مردم شکل بگیرد. با توجه به تنش‌های ایجاد شده در بسیاری از افراد این حس القاشده است که توزیع امکانات مناسب نیست و برای اقوام و مذاهب مختلف متفاوت است. با عنایت به اینکه کمال مطلوب هر حکومت ملی، برخورداری از یک ملت یکپارچه است که در میان اعضای آن، تفاوت‌های چشمگیر زبانی، مذهبی، قومی و نژادی باعث احساس بی‌عدالتی نگردد و همگان به یک هویت فراگیر ملی تعلق خاطر داشته و به آن وفادار باشند؛ لذا بررسی میزان احساس عدالت اجتماعی و ارتباط گرایش به هویت ملی با آن در شهر بندرعباس موضوعی قابل بررسی علمی است.

تحقیقات داخلی

- حیدری ساریان (۱۳۹۷) پژوهشی را با عنوان «تحلیل عوامل بهبود احساس عدالت اجتماعی (مورد شناسی: شهرستان اردبیل)» به انجام رساند. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش، شامل کل روستاییانی است که در مناطق روستایی شهرستان اردبیل بالای ۱۵ سال سکونت دارند که از این میان تعداد ۳۸۳ نفر با استفاده از فرمول کوکران به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. نتایج نشان داد، مهم ترین عوامل بهبود احساس عدالت اجتماعی از دیدگاه روستاییان در منطقه مورد مطالعه، شامل هفت مؤلفه (بازتوزیع درآمد و تقویت نظام حمایتی، سهولت دسترسی به منابع و امکانات و حمایت روان شناختی روستاییان، توسعه اجتماعی و عدالت فضایی و تقویت زیرساخت ها) است که مقدار واریانس و واریانس تجمعی تبیین شده به وسیله این چهار عامل، ۷۲/۷۳ است.

- قاسمی و دیگران (۱۳۹۴) پژوهشی را با عنوان «بررسی رابطه احساس عدالت اجتماعی بر هویت ملی جوانان قوم گُرد (نمونه موردی: شهر قروه)» به انجام رساندند. بررسی ها نشان داد که بین احساس عدالت شهروندان و هویت ملی آنان همبستگی معناداری به میزان ۰/۴۹ وجود دارد و هرچه احساس عدالت بیشتر باشد، هویت ملی شهروندان بالاتر است.

- نوایی و دیگران (۱۳۹۲) پژوهشی را با عنوان «احساس عدالت و عوامل اجتماعی مرتبط با آن» به انجام رساندند. یافته ها نشان می دهد که میانگین احساس عدالت در میان پاسخگویان ۱۰/۷۹۶ بود که بیشتر از حد متوسط شاخص (۸/۳۳۵) است. بین احساس عدالت و پایگاه اجتماعی اقتصادی افراد، احساس محرومیت نسبی و میزان احساس عدالت و بین جهت گیری ارزشی افراد و میزان احساس عدالت رابطه وجود دارد. بین احساس عدالت و احساس عزت نفس همبستگی ضعیفی به دست آمد.

- هزارجریبی (۱۳۹۰) پژوهشی را با عنوان «بررسی احساس عدالت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی شهر تهران)» به انجام رساند. جامعه آماری تحقیق شامل سه شهروندان منطقه ۳، ۱۰ و ۱۸ تهران است. یافته ها نشان می دهد که متغیرهای «اعتماد به کارایی مسئولان (با ضریب ۰/۵۷)، دین داری (با ضریب ۰/۲۰)، مقایسه خود با دیگران (با ضریب ۰/۱۶)، احساس امنیت (با ضریب ۰/۱۰)» دارای تأثیر افزایش بر میزان احساس عدالت در

بین افراد هستند و اما متغیرهای احساس بیگانگی (با ضریب ۰۹/۰-) و منطقه مسکونی (نیز با ضریب ۰۹/۰-) دارای تأثیر کاهنده بر میزان احساس عدالت هستند.

- نوابخش و گراوند (۱۳۹۰) پژوهشی را با عنوان «بررسی تأثیر احساس عدالت اجتماعی بر هویت ملی شهروندان سنی و شیعه مذهب قوم گُرد (نمونه موردی شهر قروه)» به انجام رساندند. در این پژوهش ۱۵۱ نفر شهروندان گُرد شیعه‌مذهب و ۱۴۸ نفر شهروندان گُرد سنی مذهب شرکت داشتند. نتایج نشان داد که هر چه قدر احساس عدالت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و زبانی شهروندان بالاتر باشد، هویت ملی آنان قوی‌تر است.

تحقیقات خارجی

- فابلا^۳ و دیگران (۲۰۱۷) در پژوهش خویش به بررسی عوامل پیش‌بینی کننده هویت قومی و هویت اجتماعی از طریق مطالعه ارتباط بین هویت قومی و هویت اجتماعی آمریکایی‌های فیلیپینی تبار و در رابطه با ادراک آن‌ها از میزان احساس عدالت اجتماعی می‌پردازد. داده‌های تحقیق از ۱۷۹ فرد بزرگ‌سال آمریکایی فیلیپینی تبار گردآوری شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که احساس عدالت اجتماعی باعث بالا رفتن هویت اجتماعی می‌شود.

- فورمن^۴ (۲۰۱۶) نشان داد که احساس برخورداری از منابع اطلاعاتی و دانش همگانی، احساس برخورداری از خدمات اجتماعی به صورت عادلانه، احساس پذیرش اجتماعی، احساس برخورداری از حمایت دولت در مواقع بحران و یا خشک‌سالی و سیاست‌ها و برنامه‌های ساماندهی جوامع روستایی از متغیرهای تأثیرگذار در بهبود احساس عدالت اجتماعی در مناطق روستایی محسوب می‌شود.

- امبر^۵ (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای تحت عنوان «درک هویت در قرن بیست و یکم: چالش پیشروی جوانان اماراتی» به فرایند شکل‌گیری هویت فرهنگی در کشور امارات پرداخته است. نتایج این مقاله نشان داد که از میان فاکتورهای مهم تشکیل دهنده هویت فرهنگی برای ۹۰ درصد پاسخ‌دهندگان، مذهب بسیار مهم بوده است، همین‌طور به ترتیب زبان ۸۶/۵ درصد، ارزش‌های فرهنگی ۷۷/۱ درصد، اصل و نسب ۷۴/۴ درصد. از طرف دیگر ازدواج با ۶۲/۴ درصد کمترین اهمیت را برای پاسخ‌دهندگان داشته است.

- ویلسون^۶ (۲۰۱۵) بین عدالت آموزشی، احساس پذیرش اجتماعی احساس بهزیستی اجتماعی و احساس گرایش به هویت ملی و بهبود احساس عدالت اجتماعی همبستگی وجود دارد.

- سورک^۷ و دیگران (۲۰۰۹) در تحقیقی با عنوان «دین‌داری، هویت ملی و حقانیت»، رابطه بین دین‌داری و هویت ملی را با نمونه موردی اسرائیل و مقایسه آن با دیگر کشورها بررسی می‌کند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اسرائیلی‌های یهودی سکولار به‌طور معناداری کمتر از دیگر اسرائیلی‌ها به ابعاد ملی افتخار می‌کردند.

- اُهم^۸ (۲۰۰۶) تحقیقی درباره هویت ملی در بین جوانان حومه شهر ملبورن استرالیا انجام داده است. در این پژوهش وی به دنبال شناخت عوامل تقویت‌کننده هویت ملی در استرالیا بوده است و دریافت که تلاش دولت در حمایت از گروه‌های قومی مهاجر و همچنین نقش والدین در انتقال ارزش‌های فرهنگی و ملی استرالیا، تأثیر مثبتی در تقویت هویت جوانان مورد مطالعه داشته است.

- پاهاکا (۲۰۰۱) در تحقیقی با عنوان «آزمون تئوری عدالت جهانی راولز» این تئوری را در میان دانشجویان ۷ کشور جهان بررسی کرد. آنچه از این تحقیق به دست آمد، ارتباط تنگاتنگ فرهنگ هر کشور و حقوق و قوانین پذیرفته شده آن‌ها بود. نتیجه این تحقیق، فرض حاکمیت حقوق لیبرال و پذیرش آن بر اساس اصل قرارداد‌گرایی در عرصه بین‌المللی را زیر سؤال برد.

۲- مبانی نظری

۲-۱- نظریه‌های هویت ملی

ماکس وبر^۹ در تیپولوژی جریان سلطه و اقتدار در طول تاریخ جوامع، پس از بیان ویژگی‌های دور/ کاریزماتیک و سنتی و عقلانی و سازمان اجتماعی متناسب با آن، از سه نوع شخصیت اجتماعی: فره‌مند، فره‌یخته و خبره یا متخصص که با سه نوع اقتدار موصوف قابل انطباق‌اند بحث می‌نماید. وی پس از مقایسه این دو جامعه به رشد عقلانیت ابزاری و کنش‌های عقلانی مبتنی بر ضوابط عام و اعتلای سطح هویت جمعی اشاره می‌کند. وبر ویژگی منحصربه‌فرد دنیای نوین را رشد فزاینده عقلانیت به‌خصوص عقلانیت ابزاری می‌داند که به تبع آن هویت‌ها نیز اعتلا می‌یابند و از حالت سنتی و عاطفی به هویت‌های عقلایی تبدیل

می‌شود (عبداللهی، ۱۳۷۵: ۱۲۳). کاستلز^{۱۰} هویت سرچشمه معنا و تجربه برای مردم است [...] اصطلاح هویت در صورتی که سخن از کنشگران اجتماعی باشد، عبارت است از فرایند معنا سازی بر اساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه‌ای به هم پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی که بر منابع معنایی دیگر اولویت داده می‌شوند. هویت منبع معنا برای خود کنشگران است و به دست خود آن‌ها از رهگذر فرایند فردیت بخشیدن، ساخته می‌شود. باین حال ممکن است هویت‌ها از نهادهای مسلط نیز ناشی شوند؛ اما حتی در این صورت نیز فقط هنگامی هویت خواهند بود که کنشگران اجتماعی آن‌ها را درونی کنند و معنای آن را حول این درونی سازی بیافرینند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۲-۲۳).

کاستلز معتقد است که ساختن اجتماعی هویت همواره در بستر روابط قدرت صورت می‌پذیرد و بین سه صورت و منشأ هویت تمایز قائل می‌شود: هویت مشروعیت بخش، هویت مقاومت، هویت برنامه دار (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۲-۲۳).

از نظر گیبرنا^{۱۱} هویت ملی عبارت است از ویژگی‌هایی که ابعاد پنج گانه ملت در هر جامعه خاص به خود می‌گیرد؛ مثلاً بعد روان‌شناختی مخصوص یک ملت، فرهنگ و آداب و رسوم متمایز از فرهنگ ملل دیگر، سرزمین و قلمرو مخصوص یک ملت و نظام سیاسی و اتفاقات تاریخی یک ملت که هویت ملی آن ملت را تشکیل می‌دهند (گیبرنا، ۱۳۷۸: ۸۱).

به نظر گیدنز^{۱۲} هویت عبارت است از خود آن طوری که شخص از خودش تعریف می‌کند. انسان از طریق کنش متقابل با دیگران است که هویتش را ایجاد می‌کند و در جریان زندگی پیوسته آن را تغییر می‌دهد، هویت امر پایداری نیست، بلکه یک پدیده پویا و سیال و همواره در حال ایجاد شدن و عوض شدن است (گیدنز، ۱۳۸۵: ۸۱) وی می‌گوید «نیروی اساسی اغلب کنش‌ها (در جامعه جدید) مجموعه‌ای ناآگاهانه برای کسب احساس اعتماد در کنش متقابل با دیگران است» به اعتقاد او، یکی از نیروهای پراکنده و موتور حرکتی کنش نیاز به رسیدن به امنیت هستی‌شناختی (حس اعتماد) است. چون انسان‌ها میل دارند در روابط اجتماعی از میزان اضطراب خود بکاهند، این فرایند ناآگاهانه قبل از مکانیزم زبان‌آموزی و آگاهی قطعی به وجود می‌آید و منشأ کنش است و به همین دلیل سیال و پویاست (ایمان و کیدقان، ۱۳۸۲: ۸۷).

گیدنز در تحلیل خود از هویت ملی به پدیده جهانی شدن می‌پردازد و معتقد است که وی جهانی شدن به اضمحلال فرهنگ‌های بومی و قومی نمی‌انجامد، بلکه برعکس به دلیل کاهش قدرت دولت‌های ملی و کنترل آن‌ها بر فرهنگ‌های محلی، هویت‌های فرهنگی محلی و بومی جدیدی شکل می‌گیرد. گیدنز گفته است که گاهی برای نشان دادن هویت خاصی، بدن و اعمال خود را جوری تنظیم می‌کنیم و کنش‌هایی انجام می‌دهیم که تفسیر آن‌ها در نظر دیگران، آن طوری که ما می‌خواهیم باشد. در دنیای مدرن، این رفتارها و کنش‌ها تحت تأثیر محیطی است که در آن قرار می‌گیریم و باید این آمادگی را داشته باشیم که رفتار و کنش‌های خود را با محیط سازگار کنیم (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۴۵-۱۴۴).

احمد اشرف متفکران داخلی نیز نسبت به هویت ملی پژوهش‌های ارزنده‌ای را انجام دادند مهم‌ترین متفکری که در داخل به هویت ملی توجه داشته است، وی در کتاب هویت ملی ترجمه حمید احمدی از استادان دانشگاه تهران که مجموع مقالات در مورد هویت ملی است و تأکید بر آن دارد که هویت ملی امری مدرن است که در دنیای مدرن و با تحولات دو قرن اخیر و پس از وستفالیاً شکل گرفته است. (اشرف، ۱۳۹۷) اشرف برای هویت ملی تعاریف گوناگونی را بیان داشته است. عناصر گوناگونی را برای هویت ملی می‌توان در نظر داشت. **حمید احمدی** عناصر اسطوره‌ای، زبان فارسی و مذهب تشیع را اصول اساسی هویت ملی ایران دانسته است. (همان) در این تعریف عناصر اسطوره‌ای که در شاهنامه فردوسی و ایران باستان را دارای اهمیت و محوریت می‌پندارد از سوی دیگر زبان فارسی به‌عنوان یکی از عناصر اصلی است که در ادبیات و شعر تجلی یافته است. از طرفی باید گفت که مذهب تشیع که از دوران صفویان در ایران حاکم شده است و آداب دینی تشیع با هویت ایرانی در پیوند قرار گرفت. (همان)

۲-۲- نظریه‌های احساس عدالت اجتماعی

یکی از مباحث دیگری که باید مورد توجه قرار بگیرد عدالت اجتماعی است. در این میان برخی متفکران که به عدالت اجتماعی توجه داشتند مورد مطالعه و بررسی قرار گرفتند و تلاش شده است تا مفهوم عدالت اجتماعی توضیح داده شود.

مارکس ۱۳ بر این اعتقاد بود که سرشت آدمیان در اصل نیکو شریف است و تمام زشتی‌ها و پلیدی‌هایی که در جوامع بشری دیده می‌شود در نهایت امر به تأثیرات سود مالکیت

خصوصی برمی‌گردد و همین نهاد اجتماعی است که موجبات حرص و آز و خودخواهی و استثمار و بیدادگری و زورگویی را فراهم می‌سازد و با در هم شکستن این نهاد انسان‌ها می‌توانند به آزادی برابری و عدل رهنمون گردند. نظری/ نیازهای مارکس تحقق عدالت اجتماعی را زمانی میسر می‌دانست که افراد به لحاظ اقتصادی در شرایط برابر زندگی نمایند و این کار بدون توزیع مجدد ثروت امکان‌پذیر نیست، سپس وی وجود عدالت اجتماعی را منوط به وجود عدالت اقتصادی می‌دانست (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۷۶).

منظور از عدالت اقتصادی این است که از آنجاکه بسیاری از محرومیت‌ها و نابرابری‌ها ریشه در تعلق طبقاتی افراد دارند توزیع عادلانه امکانات جامعه میان طبقات مختلف اجتماع تحقق یکی از جنبه‌های عدالت است به عبارت دیگر باید منابع اقتصادی جامعه طوری توزیع شوند که هیچ شخصی به صرف نداشتن بضاعت مالی از رشد و پیشرفت در جامعه بازماند (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۷۶).

به نظر **هایک**^{۱۴} دست یافتن به عدالت اجتماعی، مستلزم آن است که آحاد جامعه به گونه‌ای سازماندهی شوند که بتوان آنچه را که در جامعه تولید می‌شود به سهم‌های خاصی میان افراد یا گروه‌ها تقسیم نمود. به عبارت دیگر جامعه باید به سازمان هدفمند تبدیل گردد تا بتوان آرمان عدالت اجتماعی را تحقق بخشید (هزارجریبی، ۱۳۹۰: ۴۳).

کمپل^{۱۵} معتقد است که عدالت، یکی از اصطلاحات مبنایی سیاست و اخلاق است که بااهمیتی عالم‌گیر در همه نظریه‌های سیاسی و اجتماعی، نقش محوری دارد. اعتبار جهانی آن به توسعه مجموعه متنوعی از تحلیل‌ها و طرح‌های کاربردی انجامیده که دست‌یابی به تعریف واضح و دقیق درباره آن را دشوارتر ساخته است؛ از این رو، عدم توافق بسیاری درباره معنای عدالت و مصادیق اعمال عادلانه و ناعادلانه به وجود آمده است (غنی نژاد، ۱۳۷۲: ۸۶). به نقل از هزارجریبی، ۱۳۹۰: ۴۳).

مک ایتتایر^{۱۶} معتقد است که با استوار ساختن عدالت بر پایه مفهوم خیر مشترک چارچوب برای صورت‌بندی مسائل و موضوعات مربوط به عدالت ایجاد نموده است مک ایتتایر در این چارچوب اظهار می‌دارد: «... ما قادر به صورت‌بندی مقولاتی درباره شایستگی و نیازها هستیم، درحقیقت این کار را در قالب مفهوم به کلی از جامعه‌ای که بار دیگر تحت تأثیر یک

مفهوم مشترک از خیر نهایی انسان قرار گرفته است و به همت تحقق مشترک خیر نهایی انسان جهت گیری می شود، انجام می دهیم» (نیلی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۰۲-۱۰۰).

از نظر مک ایتنایر هرگز نمی توان عدالت اجتماعی را به عنوان عدالتی در نظر گرفت که صرفاً برای نفس خودش وجود دارد، بلکه عدالت همیشه وسیله ای است در جهت رسیدن به خیر مشترک و با از بین بردن موانع برای مثال تبعیض نژادی و جنسیتی و تدارک منابع اختیار دهنده هدف عدالت را در اهدافی که خود تعیین کرده، می یابد. در حقیقت مک ایتنایر با صورت بندی مجدد اندرز مارکس استنباطش از ماهیت عدالت اجتماعی را جمع بندی می کند که بنا بر توانایی ها و نیازهای فردی و توانایی ها و نقش هر فرد در پیشروی خیر مشترک مشخص شده است. از نظر مک ایتنایر تحقق عدالت اجتماعی منوط به بازگشت زمینه ای است که این چارچوب معنا و مفهوم شر از آن می گیرد و امیدی به بازگشت چنین زمینه ای در دولت های لیبرال ندارد چراکه در این دولت ها جامعه به گروه هایی تقسیم شده است که خود را درگیر نزاع های سازش ناپذیری در رابطه با ماهیت خیر نموده اند (پایا، ۱۳۸۱: ۷۴-۷۳).

راولز^{۱۷} معتقد است که برابری منصفانه فرصت ها مستلزم آن است که نه فقط باب مشاغل دولتی و مناسب اجتماعی به طور صوری به روی همگان گشوده باشد، بلکه همگان باید از فرصت منصفانه دستیابی به آن ها برخوردار باشند در تعریف ایده فرصت منصفانه چنین می گوئیم: با فرض اینکه توزیعی از مواهب فطری وجود دارد آن هایی که استعدادها و توانایی های یکسانی و اشتیاقی کسانی به کاربرد این مواهب دارند باید چشم انداز موفقیتهای یکسانی داشته باشند فارغ از طبقه اجتماعی خاستگاهشان، طبقه ای که در آن متولد می شوند و تا بلوغ عقلانی در آن پرورش می یابند باید در تمام بخش های جامعه کسانی که انگیزه ها و استعدادهایی دارند چشم انداز آموزش و موفقیت نسبتاً یکسانی داشته باشند (پایا، ۱۳۸۱: ۱۴۳).

راولز در بحث عدالت بین المللی نیز اصل وضع نخستین را به کار می برد که متضمن شرایط بی طرفی است، پس از آنکه اصول عدالت در جامعه مشخص شد، نمایندگان دولت ها باز در پرده جهل با هم ملاقات می کنند؛ یعنی در شرایط بی اطلاعی از اوضاع خاص و توانایی های کشور خود؛ البته آنان برای تصمیم گیری درباره پاسداری از منافع خود شناختی اولیه دارند، لیکن نمی باید از وضع خاص خود چنان مطلع باشند که در تصمیمات آن را در نظر بگیرند (بشیریه، ۱۳۷۸: ۱۲۷).

به نظر راولز می‌توان استنباط کرد که «حسن نیت افراد (حاضر در وضع نخستین) دستکم شامل حال دو نسل از اعقابشان می‌شود». مشکل اصلی از نظر راولز این است که هیچ ملاکی برای تعیین میزان درست و عادلانه توجه نسل حاضر به نسل آینده در دست نیست. علت اصلی این است که نسل حاضر به اعقاب خود تعهدی ندارد، بلکه فقط بر طبق عدالت به منزله انصاف می‌توان به آیندگان رفتاری عادلانه داشت. (بشیریه، ۱۳۷۸: ۱۲۷).

مایکل راولز^{۱۸} با بهره‌گیری از اصل حرمت تفاوت راولز تلاش نمود آن را بسط داده و برخلاف نظریه وحدت‌گرایانه عدالت راولز، نظریه‌ای تنوع‌پذیر از عدالت اجتماعی ارائه دهد. راولز اصل تفاوت راولز را زمانی امکان‌پذیر دانست که انحصار ثروت در حوزه‌های مختلف زندگی شکسته شود. راه‌حل راولز برای شکستن این انحصار مفهوم برابری پیچیده بود. برابری پیچیده به این امر اشعار دارد که یک جامعه از حوزه‌های مختلف مانند خانواده، فرهنگ، اقتصاد، سیاست تشکیل شده است. هر حوزه دارای موهبتی اجتماعی است که مبدل به معیار مسلط درون محدوده آن حوزه می‌شود. حال اگر معیار هر حوزه اجتماعی درون حوزه خود محدود شود و مرز حوزه‌ها از هم باز شناخته شوند، می‌توان از برابری درون هر حوزه اجتماعی بحث کرد؛ اما معمولاً حوزه‌ها از طریق معیارهای (موهبت اجتماعی مسلط) خود در پی سلطه بر دیگر حوزه‌ها هستند. سلطه فقط زمانی متفی می‌شود که مواهب اجتماعی به دلایلی متمایز و درونی توزیع شوند. در این نگاه عدالت توزیعی هنر تفاوت‌گذاری و تفکیک است (مجیدی و امید، ۱۳۹۷: ۲۰).

راولز در تعریف صوری «برابری پیچیده» چنین می‌گوید: جایگاه هیچ شهروندی را در یک حوزه یا در نسبت با یک موهبت اجتماعی نمی‌توان با استناد به جایگاه او در حوزه‌ای دیگر و در نسبت با دیگر مواهب اجتماعی تضعیف کرد... هیچ موهبت اجتماعی مانند x نباید در میان افرادی توزیع کرد که موهبت اجتماعی دیگری مانند y دارند صرفاً به این علت که آن‌ها y را دارند، بی‌توجه به معنای x ... برابری پیچیده تسهیم یا تقسیم نمی‌کند، بلکه راهنمای ما در مطالعه معنای مواهب اجتماعی و نیز در بررسی درونی حوزه‌های متفاوت توزیع است (راولز، ۱۳۹۴: ۵۱). عدالت راولز مفهومی است برگرفته از ادراک افراد در جوامع خاص. هر جامعه‌ای بر اساس سنت، تاریخ، فرهنگ، شرایط زمانی و مکانی خود جامعه‌ای خاص است و موجب ادراک احتمالاً متفاوتی از معیار عدالت در میان مردمان خود می‌شود؛ البته انسان‌ها حقوقی و رای حق حیات و آزادی دارند؛ اما این حقوق به خاطر اشتراک آنان در انسان بودن نیست، بلکه نتیجه

برداشت‌های مشترک از مواهب اجتماعی است. در نتیجه عدالت یک برساخته بشری است و بعید است بتوان آن را فقط و تنها به یک شیوه ساخت (راولز، ۱۳۹۴: ۲۷).

۳- چارچوب نظری پژوهش

نظر‌گیدنز عناصر و پدیده‌های اجتماعی مانند عدالت و یا هویت در سطوح متفاوت بررسی نمی‌شوند، بلکه هر حوزه‌ای که بتواند در نتیجه ارتباط متقابل قرار گیرد می‌تواند میدان مطالعه ما باشد. می‌توان دریافت که حس هویت و عدالت که در ارتباط‌های اجتماعی تشکیل و بازتولید می‌شوند. با توجه به موضوع می‌تواند عوامل متأثر و تأثیرگذاری در سطوح فردی و همچنین جهانی باشند. هویت می‌تواند با تحقق حس تعلق احساس عدالت را تقویت یا تضعیف نماید و این فرایند با وجود وسائل ارتباط جمعی و تسلط ارتباطات تسری یابد (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۴۵-۱۴۴).

دیدگاه کنش متقابل نمادین عدالت می‌تواند با میزان تحقق حس هویت اجتماعی تقویت یا تضعیف شود. افزایش هویت اجتماعی ناشی از فردگرایی استقلال‌طلبانه، نه خودخواهانه، شکل گرفته در جامعه، سبب تقویت احساس عدالت اجتماعی در افراد جامعه گردد. هویت تعلق خاطر افراد به معانی مشترکی از جمله درباره نظم و اعتماد معنا می‌شود پس می‌توان گفت با تقویت هویت احساس عدالت تقویت خواهد شد. در واقع تقویت هویت سبب افزایش فهم مشترک در باب کنش متقابلی است که از جانب کنش‌گران مطلوب، مشروع یا پذیرفته شده است (بلومر، ۲۰۱۱).

راولز متذکر می‌شود که عدالت به مثابه انصاف برای جامعه دموکراتیک طراحی می‌شود و همچنین نظریه عدالت موضوع اصلی عدالت سیاسی را ساختار اساسی جامعه می‌داند؛ یعنی نهادهای سیاسی و اجتماعی اصلی آن و چگونگی سازگاری آن‌ها با یکدیگر در یک نظام واحد همکاری. ما فرض می‌کنیم که شهروندان در جامعه زاده می‌شوند و به‌طور معمول کل زندگی خود را در نهادهای اساسی جامعه خواهند گذراند ماهیت و نقش ساختار اساسی بر نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی به شدت تأثیر می‌گذارد و در تعیین اصول درست عدالت نقش دارد.

همچنین یادآور می‌شود که عدالت به مثابه انصاف شکلی از لیبرالیسم سیاسی است:

عدالت به مثابه انصاف می‌کوشد خانواده‌ای از ارزش‌های اخلاقی بسیار مهمی را بیان کند که به طرز منحصربه‌فردی به نهادهای سیاسی و اجتماعی ساختار اساسی مربوط می‌شوند. روالز می‌افزاید قدرت سیاسی فقط وقتی مشروع است که مطابق با قانون اساسی مکتوب یا غیر مکتوب اعمال شود که همه شهروندان عاقل و معقول بتوانند اصول آن را در پرتو عقل مشترک انسانی خود تأیید کنند؛ بنابراین هم قدرت مشروع می‌شود و هم نوعی پیوند ملی در بین شهروندان پیدا می‌شود (راولز، ۱۳۸۳: ۵۱)؛ بنابراین از نظریات گیدنز، بلومر و راولز فرضیه کلی پژوهش استخراج می‌شود که بین گرایش به هویت ملی و احساس عدالت اجتماعی ارتباط وجود دارد.

همچنین در پژوهش‌های حسین بر (۱۳۸۰)، نوابخش و گراوند (۱۳۹۰)، شعبی (۱۳۹۰)، احمدلو (۱۳۸۱) هویت ملی با شاخص‌های هویت دینی، هویت سیاسی، هویت تاریخی، هویت فرهنگی و هویت جغرافیایی مورد بررسی قرار گرفته شده است. بر همین مبنا در پژوهش حاضر نیز هویت ملی با این ۵ شاخص مورد بررسی قرار گرفته است؛ بنابراین فرضیه‌های فرعی پژوهش بدین شرح استخراج می‌گردد:

۴- فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی

≠ بین گرایش به هویت ملی و احساس عدالت اجتماعی در بین شهروندان شهر بندرعباس ارتباط وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی

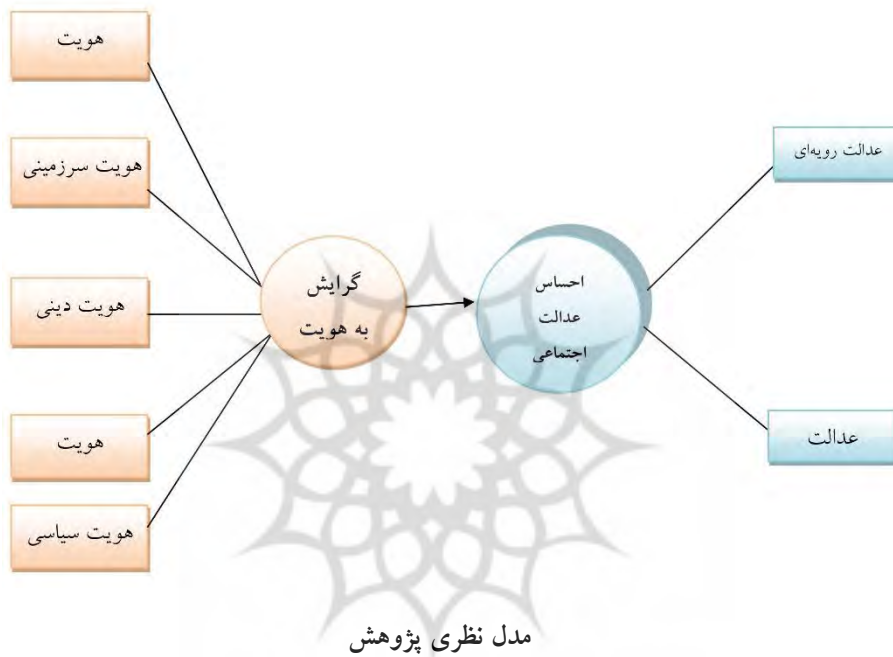
≠ بین هویت تاریخی و احساس عدالت اجتماعی در بین شهروندان شهر بندرعباس ارتباط وجود دارد.

≠ بین هویت سرزمینی و احساس عدالت اجتماعی در بین شهروندان شهر بندرعباس ارتباط وجود دارد.

≠ بین هویت دینی و احساس عدالت اجتماعی در بین شهروندان شهر بندرعباس ارتباط وجود دارد.

≠ بین هویت فرهنگی و احساس عدالت اجتماعی در بین شهروندان شهر بندرعباس ارتباط وجود دارد.

≠ بین هویت سیاسی و احساس عدالت اجتماعی در بین شهروندان شهر بندرعباس ارتباط وجود دارد.



۷- روش تحقیق

پژوهش حاضر که با هدف بررسی رابطه بین گرایش به هویت ملی و احساس عدالت اجتماعی در شهر بندرعباس است، از نظر نوع هدف یک بررسی کاربردی، از نظر وسعت پهنانگر، از نظر دامنه خرد و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی است.

تحقیق حاضر بر اساس نوع داده‌های جمع‌آوری و تحلیل شده، تحقیقی کمی است و از لحاظ نوع برخورد با مسئله مورد بررسی و ورود به آن مطالعه‌ای میدانی است. تکنیک مورد استفاده در این پژوهش پیمایش است. در مطالعه میدانی، برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. پیش از آغاز پیمایش، پرسشنامه ابتدایی مورد آزمون اولیه

قرار گرفت و با استفاده از نتایج به دست آمده، نقایص موجود برطرف و پرسشنامه نهایی تنظیم شد.

جامعه آماری پژوهش حاضر، شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر بندرعباس است. بر طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ جمعیت شهر بندرعباس ۵۲۶۶۴۸ نفر می‌باشد و جمعیت شهروندان ۱۸ سال به بالای آن به‌عنوان جامعه آماری پژوهش حاضر حدود ۴۲۰ هزار نفر است. از آنجاکه به‌طور طبیعی امکان مطالعه دیدگاه‌های تمامی ساکنان وجود نداشت از شیوه نمونه‌گیری برای تبیین نظریات افراد مورد مطالعه استفاده شده است و بر اساس فرمول کوکران تعدادی از افراد (۳۸۴ نفر) که معرف جامعه آماری تشخیص داده شدند به‌عنوان نمونه انتخاب و مطالعه شده است.

$$N \cong 420000 \quad t \cong 1/96 \quad P \cong 0/5 \quad Q \cong 0/5 \quad d \cong 0/05$$

$$n \cong \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left[\frac{t^2 pq}{d^2} + 0.1 \right]}$$

$$n \cong \frac{\frac{1/96,^2 \cdot 0/5 \cdot 0/5,}{0/05,^2}}{1 + \frac{1}{420000} \left[\frac{(1/96) \cdot 0/5 \cdot 0/5,}{(0/05)^2} + 0.1 \right]} \cong 384$$

روش نمونه‌گیری در این پژوهش شیوه نمونه‌گیری دو مرحله‌ای با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای و سپس نمونه‌گیری تصادفی ساده است. پس از گردآوری داده‌ها تجزیه و تحلیل آن‌ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS و PLSSmart انجام گردید و در این رابطه برای آزمون فرضیات، تست‌های آماری متناسب با هر فرضیه به کار گرفته شد.

در این رابطه جهت اطمینان از اعتبار لازم به مشاوره و بهره‌گیری از نظرات اساتید و کارشناسان مربوطه و همچنین از آزمون آلفای کرونباخ جهت پایایی پرسشنامه اقدام شده است و بر اساس ضریب آلفا ضریب پایایی تمامی متغیرها بالاتر از ۰/۷ است.

جدول (۱) پایایی پرسشنامه نهایی بر اساس ضریب آلفای کرونباخ

ضریب آلفا	شاخص	متغیر
۰/۸۵۲	هویت سیاسی	هویت ملی
۰/۷۹۳	هویت دینی	
۰/۸۴۲	هویت فرهنگی	
۰/۷۲۱	هویت تاریخی	
۰/۷۲۵	هویت سرزمینی	
۰/۸۲۵	عدالت رویه‌ای	احساس عدالت اجتماعی
۰/۸۱۴	عدالت توزیعی	

۷-۱- تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

احساس عدالت اجتماعی

تعریف مفهومی: عدالت اجتماعی یکی از دلالت‌های مفهوم عدالت است که منظور از آن تخصیص «منصفانه» منابع در یک جامعه است. به این معنا قانون باید به سطح قابل قبولی از عدالت واقعی و رسمی دست یابد و باید توزیع منصفانه منابع و برابر فرصت‌ها را تضمین کند (پایا، ۱۳۸۱: ۷۶).

تعریف عملیاتی: احساس عدالت اجتماعی در این پژوهش با شاخص‌های احساس عدالت رویه‌ای^{۱۹} و احساس عدالت توزیعی^{۲۰} بررسی شده است. عدالت رویه‌ای در آن تأکید بر این می‌شود که عدالت باید با بهره‌گیری از رویه‌های منصفانه معنا شود در نتیجه تصمیم‌های عادلانه برخاسته از روند منصفانه است.

عدالت توزیعی به رعایت عدالت در تخصیص منابع در سطح جامعه تأکید دارد.

هویت ملی

تعریف مفهومی: هویت ملی نوعی احساس پابندی، دلبستگی و تعهد به اجتماع ملی است که موجب وحدت و انسجام جامعه است و بخشی از هویت فرد را تشکیل می‌دهد (رزازی فر، ۱۳۷۹: ۱۰۶).

تعریف عملیاتی: در پژوهش حاضر هویت ملی با شاخص‌های هویت سیاسی، هویت سرزمینی، هویت فرهنگی، هویت تاریخی و هویت دینی مورد بررسی قرار گرفته است.

۸- یافته‌ها

۸-۱- آمار توصیفی

نتایج فراوانی متغیر جنس نشان می‌دهد که ۵۴/۱۶ درصد افراد مورد مطالعه زن و ۴۵/۸۴ درصد دیگر را مرد تشکیل داده‌اند.

نتایج فراوانی متغیر وضعیت تأهل نشان می‌دهد که ۵۹/۹۰ درصد افراد مورد مطالعه متأهل و ۴۰/۱۰ درصد دیگر مجرد هستند.

نتایج فراوانی متغیر تحصیلات نیز نشان می‌دهد که میزان ۰/۲۳ از پاسخگویان دارای سواد زیر دیپلم و دیپلم، ۰/۲۸ پاسخگویان دارای مدرک کاردانی، ۰/۴۰ پاسخگویان دارای مدرک کارشناسی و ۰/۹ پاسخگویان نیز دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر است.

همچنین نتایج فراوانی متغیر سن نشان می‌دهد که ۰/۱۶ پاسخگویان ۱۸ تا ۲۰ سال، ۰/۲۱ پاسخگویان ۲۵ تا ۲۹ سال، ۰/۲۱ پاسخگویان ۳۰ تا ۳۵ سال، ۰/۱۵ پاسخگویان ۳۵ تا ۴۰ سال، ۰/۱۶ پاسخگویان ۴۰ تا ۴۹ سال، ۰/۸ پاسخگویان ۵۰ تا ۶۰ سال و ۰/۳ پاسخگویان ۶۰ سال به بالا هستند.

جدول (۲) توزیع پاسخگویان بر حسب هویت ملی و ابعاد آن

میانگی ن	خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		مؤلفه‌ها ی هویت اجتماعی
	درصد	فراوان ی	درصد	فراوان ی	درصد	فراوان ی	درصد	فراوان ی	درصد	فراوان ی	
۳/۹۳	۳/۰۳ ۲	۱۲۳	۳/۵۰ ۷	۱۴۴	۲/۷۴ ۴	۹۵	۳/۶۵	۱۴	۲/۰۸	۸	هویت تاریخی
۳/۱۱	۱/۲۰ ۱	۴۳	۲/۶۵ ۸	۱۱۰	۳/۵۱ ۱	۱۲۱	۱/۱۹	۶۶	۱/۴۵	۴۴	هویت فرهنگی
۲/۹۲	۷/۸۱	۳۰	۱/۹۶ ۷	۶۹	۴/۷۱ ۲	۱۶۴	۲/۵۷	۷۹	۱/۹۴	۴۲	هویت سیاسی
۳/۵۱	۱/۱۵ ۶	۶۲	۳/۷۱ ۶	۱۴۱	۳/۳۳ ۳	۱۲۸	۹/۶۳	۳۷	۴/۱۶	۱۶	هویت دینی
۳/۴۵	۲/۳۱ ۰	۷۸	۲/۶۵ ۸	۱۱۰	۳/۰۳ ۲	۱۲۳	۱/۰۶	۵۴	۴/۹۵	۱۹	هویت سرزمینی
۳/۳۳											میزان کل هویت ملی

جدول شماره (۲) مربوط به متغیر هویت ملی و مؤلفه‌های آن، نشان می‌دهد که در میان مؤلفه‌های هویت ملی بیشترین میانگین مربوط به هویت تاریخی (۳/۹۳) و کمترین میانگین مربوط به هویت سیاسی (۲/۹۲) است. میانگین هویت فرهنگی (۳/۱۱)، هویت دینی (۳/۵۱) و هویت سرزمینی (۳/۴۵) و میانگین کلی هویت ملی نیز (۳/۳۳) می‌باشد که میزان آن بالاتر از متوسط است.

جدول (۳) توزیع پاسخگویان بر حسب احساس عدالت اجتماعی و ابعاد آن

میانگین	خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		مؤلفه‌های احساس عدالت اجتماعی
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۳/۲۳	۱/۲۸	۵۱	۲/۴۴	۹۰	۴/۶۶	۱۶۰	۱/۴۱	۶۳	۵/۲۰	۲۰	عدالت توزیعی
۳/۱۴	۱۲/۵	۴۸	۲/۳۵	۱۰۵	۲/۲۶	۹۷	۳/۵۱	۱۲۱	۱/۳۸	۱۳	عدالت رویه‌ای
۳/۱۸											میزان کل احساس عدالت اجتماعی

جدول شماره (۳) مربوط به متغیر احساس عدالت اجتماعی و مؤلفه‌های آن، نشان می‌دهد که میانگین احساس عدالت توزیعی (۳/۲۳) و احساس عدالت رویه‌ای (۳/۱۴) و میانگین کلی احساس عدالت اجتماعی نیز (۳/۱۸) است که میزان آن کمی بالاتر از متوسط است.

۸-۲- آمار استنباطی

۸-۲-۱- بررسی وضعیت نرمال توزیع داده‌ها

برای استفاده از آزمون‌های پارامتریک، پیش شرط‌هایی وجود دارد که عبارت‌اند از: شرط نرمال بودن داده‌ها. جهت بررسی نرمال بودن عامل‌ها از آزمون تک نمونه‌ای کلموگروف - اسمیرنف به‌قرار زیر استفاده می‌شود.

H_0 : داده‌ها از توزیع نرمال برخوردارند

H_1 : داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار نیستند

جدول (۴) آزمون کلموگروف - اسمیرنوف برای تعیین نرمال بودن متغیرهای پژوهش

خرده مقیاس‌ها شاخص‌ها	هویت	هویت	هویت	هویت	هویت	هویت
	تاریخی	فرهنگی	سیاسی	دینی	سرزمینی	احساس عدالت
تعداد	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴
مقادیر کلموگروف- اسمیرنوف	۲/۷۰	۲/۹۸	۲/۵۴	۳/۰۱	۳/۶۰	۲/۱۲
سطح معناداری (دو دامنه)	۰/۰۸۸	۰/۱۲	۰/۰۹۷	۰/۰۸۳	۰/۱۶	۰/۲۳

با توجه به جدول شماره (۴) می‌توان نتیجه گرفت که چون مقادیر سطح معناداری کلیه متغیرهای پژوهش بیشتر از ۰/۰۵ است. پس می‌توان گفت که این عامل نرمال بودن توزیع داده‌ها را می‌رساند و می‌توان در تحلیل فرضیه‌های پژوهش، آزمون‌های پارامتریک را به کار گرفت.

۸-۲-۲- آزمون فرضیه‌ها

- بین گرایش به هویت ملی و ابعاد مختلف آن (هویت تاریخی، هویت فرهنگی، هویت سیاسی، هویت دینی و هویت سرزمینی) با احساس عدالت اجتماعی ارتباط وجود دارد. جهت بررسی فرضیه‌های پژوهش مبنی بر ارتباط بین گرایش به هویت ملی و ابعاد مختلف آن (هویت تاریخی، هویت فرهنگی، هویت سیاسی، هویت دینی و هویت سرزمینی) با احساس عدالت اجتماعی از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. یافته‌ها بدین شرح است.

جدول (۵) همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

احساس عدالت توزیعی		نام متغیر	
سطح معناداری	ضریب همبستگی	شاخص‌ها	
۰/۰۰۱	۰/۲۳	هویت تاریخی	گرایش به هویت ملی
۰/۰۰۱	۰/۲۸	هویت فرهنگی	
۰/۰۰۰	۰/۳۸	هویت سیاسی	
۰/۰۰۰	۰/۴۳	هویت دینی	
۰/۰۰۰	۰/۳۲	هویت سرزمینی	
۰/۰۰۰	۰/۳۴	میزان کل هویت ملی	

یافته‌ها حاکی از آن است که بین تمامی ابعاد گرایش به هویت ملی و همچنین میزان کل آن با احساس عدالت اجتماعی از دیدگاه شهروندان شهر بندرعباس رابطه مثبت و مستقیم و معنادار وجود دارد. در این میان رابطه بین هویت دینی و احساس عدالت اجتماعی (۰/۴۳) $P=$ دارای بیشترین ضریب همبستگی و رابطه بین هویت تاریخی و احساس عدالت اجتماعی دارای کمترین ضریب همبستگی (۰/۲۳) $P=$ هستند.

همچنین رابطه بین بُعد هویت فرهنگی (۰/۲۸) $P=$ ، هویت جغرافیایی (۰/۳۲) $P=$ و هویت سیاسی (۰/۳۸) $P=$ با احساس عدالت اجتماعی از دیدگاه شهروندان شهر بندرعباس دارای ضریب همبستگی مثبت و معنادار است؛ بنابراین می‌توان استدلال کرد که هر چه میزان گرایش به هویت ملی (۰/۳۴) $P=$ و ابعاد آن بیشتر شود میزان احساس عدالت اجتماعی بیشتر می‌شود و تمامی فرضیه‌های پژوهش حاضر تأیید می‌شوند.

۸-۲-۳- مدل معادله ساختاری (Smart PLS)

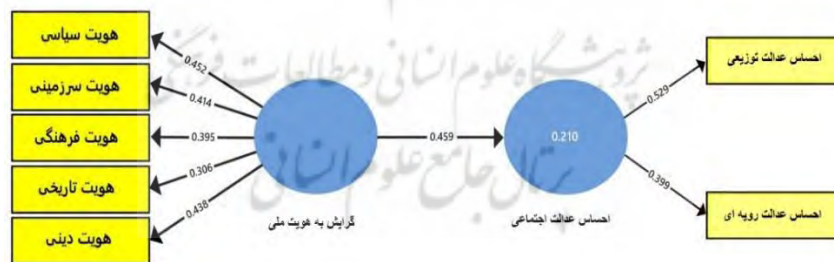
به منظور تعیین شدت و جهت بررسی تأثیر ابعاد مختلف گرایش به هویت ملی بر احساس عدالت اجتماعی شهروندان ساکن در شهر بندرعباس از یک مدل معادله ساختاری بهره گرفته شده است. در این پژوهش با استفاده از روش مدلسازی معادلات ساختاری به آزمون مدل‌های معادله ساختاری پژوهش پرداخته می‌شود. رویکرد در این قسمت، رویکرد دو مرحله‌ای است. بدین معنی که پس از تدوین مدل نظری پژوهش لازم است تا به بحث

برآورد مدل یا به عبارتی دیگر برآورد پارامترهای آزاد در مدل و تحلیل شاخص‌های جزئی و کلی مدل پرداخت تا مشخص شود که آیا داده‌های تجربی در مجموع حمایت‌کننده مدل نظری تدوین شده هستند یا خیر.

مدل‌سازی معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات (PLS) برخلاف روش کواریانس محور (نرم افزارهایی نظیر AMOS، LISREL و EQS) فاقد شاخص‌های برازش مدل مبتنی بر کای دو جهت بررسی میزان مطابقت مدل نظری با داده‌های گردآوری شده است. این امر به ماهیت پیش‌بین محور (PLS) بستگی دارد؛ بنابراین شاخص‌های برازش که به همراه این رویکرد توسعه یافته‌اند مربوط به بررسی کفایت مدل در پیش‌بینی متغیرهای وابسته می‌شوند؛ مانند شاخص‌های افزونگی^{۲۱} و حشو^{۲۲} یا شاخص (GOF) است. در واقع این شاخص‌ها نشان می‌دهند که برای مدل اندازه‌گیری معرف‌ها تا چه حد توانایی پیش‌بینی سازه زیربنایی خود را دارند و برای مدل ساختاری، متغیرهای برون‌زا تا چه حد و با چه کیفیتی توانایی پیش‌بینی متغیرهای درون‌زا مدل را دارند.

برآوردهای مربوط به شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل ساختاری و پارامترهای اصلی این مدل (اثر متغیر هویت ملی بر احساس عدالت اجتماعی) در شکل و جداول زیر گزارش شده است:

شکل (۱) مدل معادله ساختاری اثر گرایش به هویت ملی بر احساس عدالت اجتماعی



جدول (۴) برآورد شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

شاخص	GOF	SRMR	NFI
مقدار	۰/۸۰	۰/۰۸۵	۰/۹۲

شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری در مجموع بیانگر این است که داده‌ها مدل نظری پژوهش را حمایت می‌کنند؛ به عبارت دیگر برازش داده‌ها به مدل برقرار است و شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند.

جدول (۵) برآورد اثر متغیر هویت ملی بر احساس عدالت اجتماعی

متغیر مستقل	مسیر	متغیر وابسته	ضریب تعیین	ضریب اثر	مقدار بحرانی	سطح معناداری
هویت ملی	<---	احساس عدالت اجتماعی	۰/۲۱۰	۰/۴۵۹	۱/۲	۰/۰۰۱

مقادیر برآورد شده در جدول بالا بیانگر این است: (۱) متغیر هویت ملی در مجموع ۰/۴۵۹ از واریانس متغیر احساس عدالت اجتماعی را تبیین می‌کند، با مدنظر قراردادن مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین این مقدار در حد متوسط (۰/۲۱) برآورد می‌شود، به عبارت دیگر متغیر هویت ملی در ابعاد مختلف در حد متوسط توان تبیین واریانس متغیر احساس عدالت اجتماعی شهروندان را دارد. (۲) اثر متغیر هویت ملی بر احساس عدالت اجتماعی به لحاظ آماری معنادار است؛ بنابراین فرضیه کلی پژوهش مبنی بر این که متغیر هویت ملی بر متغیر احساس عدالت اجتماعی تأثیر دارد، تأیید می‌شود. با توجه به مقدار ضریب تأثیر می‌توان گفت اثر متغیر هویت ملی بر متغیر احساس عدالت اجتماعی مثبت، مستقیم و در حد متوسط برآورد می‌شود، به این معنا که افزایش میزان هویت ملی می‌تواند در حد متوسط منجر به تقویت احساس عدالت اجتماعی شهروندان گردد.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که ذکر شد عدالت فضیلتی است که تحوّل جوامع بشری منوط به آن بوده است و این فضیلت در وجود انسان به‌عنوان فرد، استقامت و اعتدال را می‌آفریند و در جوامع بشری نیز مولد استقامت، برابری، اعتدال و آزادی است. فقدان این عدالت در اجتماع باعث

پیدایش تبعیض، ستم، فساد و عدم وفاق عمومی می‌شود و چنین جامعه‌ای از فضیلت، وفاق و همبستگی فاصله می‌گیرد و به سوی گسست و اضمحلال پیش می‌رود.

با توجه به اهمیت بحث از ارتباط بین گرایش به هویت ملی با احساس عدالت اجتماعی در بین شهروندان شهر بندرعباس در پژوهش حاضر که در میان ۳۸۴ نفر از شهروندان شهر بندرعباس به‌عنوان حجم نمونه به انجام رسید، به بررسی ارتباط بین گرایش به هویت ملی با ابعاد هویت تاریخی، هویت فرهنگی، هویت سیاسی، هویت دینی و هویت سرزمینی به‌عنوان متغیر مستقل و احساس عدالت اجتماعی به‌عنوان متغیر وابسته پرداخته شد.

یافته‌ها حاکی از آن است که بین تمامی ابعاد گرایش به هویت ملی و همچنین میزان کل آن با احساس عدالت اجتماعی از دیدگاه شهروندان شهر بندرعباس رابطه مثبت و مستقیم و معنادار وجود دارد. در این میان رابطه بین هویت دینی و احساس عدالت اجتماعی ($P=0/43$) دارای بیشترین ضریب همبستگی و رابطه بین هویت تاریخی و احساس عدالت اجتماعی دارای کمترین ضریب همبستگی ($P=0/23$) است.

همچنین رابطه بین بُعد هویت فرهنگی ($P=0/28$)، هویت سرزمینی ($P=0/32$) و هویت سیاسی ($P=0/38$) با احساس عدالت اجتماعی از دیدگاه شهروندان شهر بندرعباس دارای ضریب همبستگی مثبت و معنادار است؛ بنابراین می‌توان استدلال کرد که هر چه میزان گرایش به هویت ملی ($P=0/34$) و ابعاد آن بیشتر شود میزان احساس عدالت اجتماعی بیشتر می‌شود و تمامی فرضیه‌های پژوهش حاضر تأیید می‌شوند.

نتایج حاصل از مدل معادله ساختاری (Smart PLS) نیز نشان می‌دهد که هویت ملی بر احساس عدالت اجتماعی تأثیر متوسط داشته ($0/45$) و متغیر هویت ملی در مجموع $0/21$ از واریانس متغیر احساس عدالت اجتماعی را تبیین می‌کند.

یافته‌های پژوهش حاضر مبنی بر ارتباط بین گرایش به هویت ملی و احساس عدالت اجتماعی با یافته‌های پژوهش قاسمی و دیگران (۱۳۹۴)، نوابخش و گراوند (۱۳۹۰) و ویلسون (۲۰۱۵) همخوانی دارند. آن‌ها در پژوهش‌های خود همانند پژوهش حاضر به ارتباط بین گرایش به هویت ملی و احساس عدالت اجتماعی پی بردند.

یافته‌های پژوهش حاضر مبنی بر ارتباط بین گرایش به هویت ملی و احساس عدالت اجتماعی با تئوری‌های گیدنز، بلومر و راولز همخوانی دارد. هرکدام از نظریه‌پردازان فوق در نظریه‌های خود نشان دادند که گرایش به هویت ملی باعث افزایش احساس عدالت اجتماعی افراد می‌شود که تأییدکننده نتایج این پژوهش است؛ بنابراین مشاهده می‌شود که هویت ملی در شهر بندرعباس یکی از منابع مهم افزایش احساس عدالت اجتماعی است و با افزایش هویت ملی در ابعاد مختلف میزان احساس عدالت اجتماعی افزایش پیدا می‌کند. همچنین با افزایش عدالت اجتماعی هویت ملی نیز تقویت می‌شود و این دو با یکدیگر همبستگی مثبت دارند. مسئله‌ای که باید مسئولان و دست‌اندرکاران در شهر بندرعباس مورد توجه قرار دهند. با توجه به اینکه در شهر بندرعباس اقوام و مذاهب مختلفی زندگی می‌کنند؛ بنابراین داشتن هویت مشترک می‌تواند به مانند یک‌زبان مشترک ایجادکننده اعتماد، انسجام و مشارکت در میان مردم باشد و در نتیجه احساس عدالت اجتماعی را ایجاد کند. در این صورت وفاق اجتماعی و احساس نزدیکی حاصل از هویت مشترک نه تنها عدالت اجتماعی را از لحاظ عینی بلکه احساس عدالت اجتماعی از لحاظ ذهنی را نیز پدید می‌آورد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. احمدلو، حبیب و افروغ، عماد. (۱۳۸۱). رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز. فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱۳، صص ۱۰۹-۱۴۲.
۲. احمدی، بابک. (۱۳۸۶). معمای مدرنیته. تهران: نشر مرکز.
۳. اشرف، احمد، (۱۳۹۷) هویت ایرانی، ترجمه حمید احمدی، تهران: نی
۴. ایمان، محمدتقی. کیدقان، طاهره. (۱۳۸۲). بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی زنان (مطالعه موردی زنان شهر شیراز). فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س). سال دوازدهم، شماره ۴۴ و ۴۵. زمستان ۸۱ و بهار ۸۲.
۵. بشیریه، حسین. (۱۳۷۸). تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم. تهران: نشر نی.
۶. پایا، علی (۱۳۸۱) جان راولز نظریه پرداز انصاف و عدالت. کتاب ماه ادبیات و فلسفه.
۷. پورعزت، علی اصغر. (۱۳۸۰). مدیریت دولتی و عدالت اجتماعی. دانش مدیریت. شمار/ ۵۵.
۸. جمشیدی، محمدحسین. (۱۳۸۰). نظریه عدالت. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۹. جنکینز، ریچارد (۱۳۹۱). هویت اجتماعی. ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: نشر شیرازه.
۱۰. چلبی، مسعود. (۱۳۷۵). هویت‌های قومی و رابطه آن با هویت اجتماعی. تهران: وزارت کشور.
۱۱. حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۷۹). تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه. فصلنامه مطالعات ملی. سال دوم. شماره ۵.
۱۲. حسین بر، محمد عثمان. (۱۳۸۰). بررسی عوامل مؤثر بر نگرش دانشجویان بلوچ نسبت به هویت ملی. خلاصه مقالات نخستین همایش ملی ایران‌شناسی.
۱۳. حیدری ساریان، وکیل. (۱۳۹۷). تحلیل عوامل بهبود احساس عدالت اجتماعی (مورد شناسی: شهرستان اردبیل). جغرافیا و آمایش شهری منطقه‌ای، شماره ۲۸، پاییز. ۹۱ - ۱۱۰.
۱۴. راولز جان. (۱۳۸۳). عدالت به مثابه انصاف، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: ققنوس.
۱۵. رزازی‌فر، افسر. (۱۳۷۹). الگوی جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران. فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۵.
۱۶. زهیری، علیرضا. (۱۳۸۴). چیستی هویت ملی. فصلنامه علوم سیاسی، سال اول، شماره ۸.

۱۷. شعبی، محیا. (۱۳۹۰). بررسی رابطه الگوهای استفاده از اینترنت و هویت ملی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد تهران.
۱۸. شیخاوندی، داور. (۱۳۸۰). ناسیونالیسم و هویت ایرانی. تهران: مرکز بازشناسی اسلامی و ایرانی.
۱۹. صباغ، صمد و شال‌فروش شتربانی، آرزو. (۱۳۸۹). بررسی ابعاد هویتی (جهانی، ملی، قومی یا محلی و دینی) دانش‌آموزان دوره متوسطه و عوامل مرتبط با آن. مطالعات جامعه‌شناسی، دوره ۱، شماره ۱، زمستان.
۲۰. عبدالهی، محمد و قادرزاده، امید. (۱۳۸۸). هویت جمعی غالب‌گراها در کشورهای ایران و عراق. نامه علوم اجتماعی، دوره ۱۷، شماره ۳۶.
۲۱. عبدالهی، محمد. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی بحران هویت، نامه پژوهش، شماره ۲ و ۳.
۲۲. غنی‌نژاد موسی، (۱۳۸۶) عدالت، عدالت اجتماعی و عملکرد اقتصاد. تهران: طرح نو.
۲۳. قادرزاده، امید و قادرزاده، هیرش. (۱۳۹۳). مطالعه پیمایشی عوامل فرهنگی - اجتماعی مرتبط با هویت ملی نوجوانان. دوره ۲۱، شماره ۶۶، پاییز، صص ۱۷۰ - ۲۰۵.
۲۴. قاسمی، علیرضا و گراوند جمشید و فرهادی سمیه. (۱۳۹۴). بررسی رابطه احساس عدالت اجتماعی بر هویت ملی جوانان قوم گُرد (نمونه موردی: شهر قروه). جامعه‌شناسی مطالعات جوانان: بهار، دوره ۵، شماره ۱۷؛ صص ۱۶۲-۱۴۵.
۲۵. کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (جلد ۱، ظهور جامعه شبکه‌ای). ترجمه احد علیقلیان، افشین خاکباز، حسن چاوشیان، ویراسته علی پایا، تهران: انتشارات طرح نو.
۲۶. گیرنا، مونتسرات. (۱۳۷۸). مکاتب ناسیونالیسم و دولت - ملت در قرن بیستم. ترجمه امیر مسعود اجتهادی. تهران: نشر وزارت امور خارجه.
۲۷. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۵). تجدد و تشخص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نی.
۲۸. مجیدی، حسن و امیدی، مهدی (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی الگوی عدالت از منظر شهید مرتضی مطهری و مایکل راولز. دو فصلنامه دانش سیاسی، سال ۱۴، شماره پیاپی ۲۸، ۳۴ - ۱.
۲۹. نوابخش، مهرداد و گراوند، جمشید. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر احساس عدالت اجتماعی بر هویت ملی شهروندان سنی و شیعه‌مذهب قوم گُرد. فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۲۲.

۳۰. نوایی، محمود و دیگران. (۱۳۹۲). احساس عدالت و عوامل اجتماعی مرتبط با آن. رفاه اجتماعی، دوره ۱۳، شماره ۴۹.

۳۱. نیلی، مسعود و دیگران. (۱۳۸۶). اقتصاد و عدالت اجتماعی. تهران: نشر نی.

۳۲. راولز، مایکل. (۱۳۹۴). حوزه‌های عدالت در دفاع از کثرت‌گرایی و برابری. ترجمه صالح نجفی، تهران: نشر ثالث.

۳۳. هزارجریبی، جعفر. (۱۳۹۰). بررسی احساس عدالت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی شهر تهران). جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، شماره پیاپی ۴۳. ۶۲-۴۱.

34. Almond, G. A, (1990). the study of Dolitical culture, in A Disciplin divided: school

35. and sects in political science, Newbuly park, sage.

36. Amber, Haque. (2016). Preserving Cultural Identity in the 21st Century: Challenges to the Emirati Youth, Department of Psychology, UAE University.

37. David Ohad, Bar-Tal, Daniel. (2009). A Socio-psychological Conception of Collective Identity: The Case of National Identity as an Example. Pers Soc Psychol Rev 13: 354.

38. Fabala, D. Others. (2017). Media, Gender and Identity: An Introduction, London: Routledge Press.

39. Furman, G. (2016). Social Justice Leadership as Praxis: Developing capacities through preparation programs, Educational Administration Quarterly. 48 (2). 191-229.

40. Lohm, D. (2006). Australianess Amoong What is in Australian? Preception of Young Aduils Raised in on Queter Eastern Suburb of Melbourne, Monash University

41. Puhakka, A. (2001). A Study of Rawls' Theory of International Justice, Master's Thesis, University of Joensuu Faculty of Social Sciences, Department of Social Policy.

42. Sorek, Tamir and Alin M. Ceobanu. (2009). Religiosity, National Identity and

43. Legitimacy: Israel as an Extreme Case. Sociology 43: 477-496.

44. Wilson, M (2015), Education for social justice in rural Nepal: towards an integrated theoretical framework and operational research strategy for supporting intervention, Journal of Philosophy of Education, 2 (6), 112- 145.

¹. David & Bar-Tal

². Almond

³. Fabala

⁴. Furman

⁵. Amber

⁶. Wilson

⁷. Sorek

⁸. Lohm

9. Max Weber
10. Castells
11. guibernau
12. Anthony Giddens
13. Marx
14. Hayek
15. Campbell
16. McIntyre
17. Rawls
18. Walzer
19. Procedural justice
20. distributive justice
21. Communalism
22. Redundancy

